

The Role of the Iranian Islamic Revolution model in the Formation of the Axis of Islamic Resistance

10.30495/PIR.2022.1975787.3587

Lotfi Mehdi¹, Shirkhani Ali², Javdani Moghadam Mehdi³

Received:2022/10/19
Accepted:2022/11/22

Research Article

Abstract

With the victory of the Islamic Revolution as a representative of the discourse of revolutionary Islam, the issue of Palestine and the support of the liberation movements have been recognized as one of the basic principles of Iran's foreign policy. This ideological approach of the Islamic Revolution made Iran gradually inspire and The role of a role model among the resistance groups is to assume the leadership position of the core of the resistance axis. The main question of this research is what is the position and role of Iran's model in the formation of the resistance axis. In this research, it is assumed that Iran, as a phenomenon with its own characteristics, has been able to be an identity model for the survival of the resistance movement. The theoretical framework of the research has been developed based on the Copenhagen school and Bozan's security theory. The research method is descriptive-analytical, and the required information and data have been collected based on documentary and library methods and data collection. The result obtained from this research is the formation of a security axis with Iran's leadership, which should play an optimal role and while deepening cooperation and developing relations, in other fields, especially the economic dimension and promoting the position of resistance in the political aren't Domestic countries take steps.

Keywords: Axis of resistance; Islamic resistance; Islamic identity; Islamic revolution

Lotfi, M., Shirkhani, A., & Javdani Moghadam, M. (2022). The Role of the Iranian Islamic Revolution model in the Formation of the Axis of Islamic Resistance. *International And Political Research Quarterly*, 14(53), pp. 16-28.

¹ Ph.D. student, Department of Political science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom , Iran. Lotfi1079@yahoo.com

² Professor, Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. shirkhani@qom-iau.ac.ir
(Corresponding Author)

³ Assistant professor, Department of International Relations, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. javdani2020@gmail.com

نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی

10.30495/PIR.2022.1975787.3587

مهدی لطفی^۱، علی شیرخانی^۲، مهدی جاودانی مقدم^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱
---------------------	-----------------------------------------------------

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان نماینده‌گفتمان اسلام انقلابی، مسئله فلسطین و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، یکی از اصول اساسی سیاست خارجی ج.ا.ایران شناخته شده است، این رویکرد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، باعث گردید ایران رفته‌رفته با الهام‌بخشی و نقش‌الگو واقع‌شدن در بین گروه‌های مقاومت، جایگاه رهبری هسته محور مقاومت را برعهده بگیرد، پرسش اصلی این پژوهش آن است که جایگاه و نقش الگوی ایران در تشکیل محور مقاومت چیست. در این پژوهش فرض بر این است که ایران به‌عنوان یک پدیده با ویژگی‌های خاص خود، توانسته است الگویی هویت‌بخش برای بقای جریان مقاومت باشد. چارچوب نظری پژوهش بر اساس مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی بوزان تدوین گردیده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات و داده‌های موردنیاز بر مبنای روش اسنادی و کتابخانه‌ای و فیش‌برداری، گردآوری شده‌اند. نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل شده است تشکیل یک محور امنیتی با رهبری ایران است که بایستی نقش بهینه‌ای را ایفا نموده و ضمن تعمیق همکاری و توسعه مناسبات، در سایر زمینه‌ها به‌ویژه بعد اقتصادی و ارتقای جایگاه مقاومت در عرصه سیاست داخلی کشورها گام بردارد.

واژگان کلیدی: مقاومت اسلامی، محور مقاومت، انقلاب اسلامی، غرب آسیا، هویت اسلامی

لطفی، مهدی؛ شیرخانی، علی؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۱). نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۳، صفحات ۲۸-۱۶.

¹ دانشجوی دوره دکتری، گروه علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران lotfi1079@yahoo.com

² استاد گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) shirkhani@qom-iau.ac.ir

³ استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. javdani2020@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران زمانی شکل گرفت که نظریات غرب در نظام جهانی نزدیک به چهار قرن به‌عنوان یک پارادایم و گفتمان مسلط توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود، هر نوع نوزایی فکری و نظری در ابعاد گوناگون امنیتی، فرهنگی، اقتصادی از غرب نشئت می‌گرفت و هژمونی خود را بر سایر مناطق جهان می‌گسترانید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران رویش یک تفکر حکمرانی جدیدی بود که به‌سرعت خود را به جبهه تقابل فکری و عملی با هژمونی غرب کشاند و از جمله نظام‌های سیاسی ایدئولوژیک مطرح در قرن بیستم به‌حساب آمد که توانست کلیه تنظیمات قدرت در نظام بین‌الملل را برهم زند، و در منطقه غرب آسیا پیمان‌های امنیتی و زیرشاخه‌های امنیتی موجود را به چالش بکشد و هسته‌های مقاومت محلی را حول هویت مغناطیس معنوی خود متمرکز و مجتمع نماید، این الگوی امنیتی جدید بیش از هر چیز امنیت رژیم صهیونیستی را به‌عنوان بازیگر و بازوی مورد حمایت غرب در منطقه غرب آسیا را دچار مخاطره کرد. درحالی‌که همین رژیم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با رژیم پهلوی، در چارچوب طرح امنیت پیرامونی بن‌گوریون برای خروج از انزوای خویش، همکاری گسترده در حوزه‌های مختلف فراهم ساخته بود. توسعه ارتباطات پیرامونی برای رژیم صهیونیستی از منظر امنیتی یک فوریت ضروری است؛ چون بقای آن رژیم غاصب در مجموعه امنیتی خاورمیانه حفظ می‌شود. با ظهور انقلاب اسلامی، توجه به فلسطین، آزادی سرزمین و استقلال آن در قالب گفتمان امت محوری بسیار برجسته شد و یکی از سیاست‌های اصولی و اولویت‌های اعلامی سیاست خارجی ج.ا. ایران موضوع قدس شریف و آزادی سرزمین‌های اشغالی قرار گرفت، در حقیقت به‌وجود آمدن گروه‌های مقاومت در مناطق مختلف جهان، با الهام از انقلاب اسلامی و مولفه‌های پایداری و مقاومت یک تجربه عینی برای تمام آزادی‌خواهان جهان بود، تشکیل یک حکومت اسلامی با نفی غرب و شرق و اتکای به باور ملی خویش، این فرصت را در اختیار اندیشه سیاسی شیعه قرارداد که بتواند منطق حکمرانی و الگوی امنیتی محور مقاومت خود را معرفی و گسترش نماید.

۱- چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که «بیل مک سوئینی^۱ بر آثار و نقطه‌نظرات باری بوزان، الی ویور^۲ و دوویدل^۳ و دیگران بکار برده است. این مکتب با توجه به این که کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی می‌باشد و تلاش کرده است تا مسائل امنیتی را از دایره تنگ نظامی خارج نماید. مکتب کپنهاگ به‌عنوان نگرش فرامردن مطالعات امنیتی بر استقلال مفهومی یا حوزه مطالعاتی (علمی) امنیت تأکید نموده است. باری بوزان به‌عنوان یکی از پیش‌گامان منادی استقلال مفهومی امنیت، تلاش کرد مرز میان مطالعات امنیتی با مطالعات استراتژیک را روشن کند. به نظر وی مطالعات استراتژیک صرفاً در بعد نظامی امنیت تأکید دارد، درحالی‌که مطالعات امنیتی بررسی ابعاد غیرنظامی امنیت از جمله امنیت اجتماعی و مسئله هویت را مورد توجه قرار می‌دهد.» (خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۸۳)

با افول شرایط دوران جنگ سرد، مکتب کپنهاگ از امنیت تعریفی موسع و چند لایه انجام داد، او با جداسازی دو مولفه مطالعات امنیتی از مطالعات راهبردی دوره جنگ سرد، تحول اندیشه ای را در زمینه مطالعات امنیتی در دو دهه اخیر ایجاد نمود. (سورتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۶). نظریه مجموعه امنیتی باری بوزان^۴ را می‌توان کاربردی‌ترین نظریه خروجی مکتب کپنهاگ نام برد، که توانست ضعف‌های سنتی مطالعات امنیتی را مرتفع و نظریه جدیدی را باز نماید، بوزان در این نظریه به دو روش مفهوم امنیت را تحلیل نمود، اول با ملاک قرارداد سطح تحلیل منطقه‌ای و ارتباط آن با امنیت به صورت یک مجموعه به هم وابسته در نظر گرفت، و دوم نمایش کلی از خوشه‌های تحلیل را ارائه نمود. (داد اندیش و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۹: ۸۷)

تعریفی که بوزان از مجموعه امنیتی دارد این‌گونه است که: مجموعه امنیتی ترکیبی از اصول امنیتی و غیرامنیتی یا جمعی از هر دوی آن بوده و از طرفی مباحث امنیتی در یک کل مرتبط، نه مجزای از هم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، در حقیقت هرگونه اقدام امنیتی

¹ Bill Mc Sweeney

² Ole Waver

³ De Wild

⁴ Barry Buzan

و ضد امنیتی بر کل مجموعه تأثیرگذار بوده و آن‌چنان اعضای این مجموعه با هم ارتباط نزدیکی دارند که امنیت ملی هر عضو را با امنیت دسته‌جمعی ارزیابی می‌کنند. (سورتچی، ۱۳۹۲: ۱۸۶)

۲- مجاورت سرزمینی

مجاورت سرزمینی از نظر بوزان برای موجودیت یک مجموعه امنیتی ملاک ارزشمندی است. باتوجه به اینکه تهدیدات در فاصله‌های نزدیک شدت و نفوذ بیشتری دارند و کشورها از تهدیدات امنیتی در مجاورت خود بسیار نگران هستند، هرگونه کنش و واکنش را در دولت‌های همسایه زیر نظر دارند. حال اگر مجموعه امنیتی از دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید آید؛ دو نتیجه مهم را در پی خواهد داشت. اول اینکه می‌تواند از حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در کشورهای همسایه جلوگیری کند و دوم اینکه هیچ نگرانی از حضور مستقیم دولت همسایه و تجاوز به مرزهای سرزمینی خود نخواهند داشت. نزدیکی جغرافیایی کشورها هم ملاک است و وقتی که تهدیدات سیاسی و نظامی در حوزه جغرافیایی نزدیک باشد، اثرات آن بیشتر مشهود است. ایده اصلی در این نظریه این است که از آنجای که تهدیدات آسان‌تر در فاصله‌های کوتاه در مقایسه با فواصل زیاد قابل انتقال است، وابستگی‌های متقابل امنیتی به طور معمول در این مجموعه‌ها بیشتر است. (عسکری کرمانی و معین‌آبادی بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۳۳).

۳- عوامل زمینه‌ساز در شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت

۱. تقویت قدرت اقتصادی: اغلب برتری نظامی دولت‌های تهدیدکننده که هدف تلاش‌های متوازن‌کننده هستند، از قدرت فراوان اقتصادی آن سرچشمه می‌گیرد. یکی شیوه ایجاد موازنه‌ای مؤثر، تغییر نسبی قدرت اقتصادی طرف ضعیف است.

۲. مشروعیت‌زدایی: در این روش مخالفان قدرت برتر جایگاه برتر ابرقدرت را به چالش می‌کشند. این اقدام باعث می‌شود دولت‌های دیگر در برابر قدرت برتر بیشتر مقاومت و ایستایی ایستادگی کند و تمایل بیشتری برای مخالفت داشته باشند.

۳. نپذیرفتن واگذاری سرزمین: بررسی‌ها نشان می‌دهد قدرت برتر اغلب از دسترسی به سرزمین طرف‌های سوم به مصالحه مناطق بین‌راهی برای نیروهای زمینی یا به‌عنوان محلی برای حمل‌ونقل و انتقال نیروهای دریایی و هوایی برخوردارند؛ بنابراین گرفتن این امتیاز از قدرت‌های برتر می‌تواند دشواری‌های فراوانی را برای آن‌ها ایجاد کند.

۴. همکاری نکردن با قدرت برتر: در این روش، دولت‌ها از پذیرش خواست قدرت برتر که مغایر منافع ملی آن‌ها است، خودداری می‌کنند. این دولت‌ها به روشنی خواسته بیان‌شده را نمی‌پذیرند یا در عمل به‌گونه‌ای آن خواسته را اجرا می‌کنند که نتیجه قابل‌قبولی برای قدرت برتر در پی نداشته باشد. در مسائل بین‌المللی نیز قدرت برتر را وادار می‌کند از برخی حقوق و امتیازات خود چشم‌پوشی و اختیارات بیشتری به دولت‌هایی موازنه دهنده برایش مدیریت جدید در عرصه‌های اقتصادی و سیاست بین‌المللی واگذار کند (بابایی، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۹).

برخی پیش‌ران‌ها و منابع کلیدی در زمینه مقاومت وجود دارند که به آنها اشاره می‌شود: «اسلام (دال مرکزی قدرت)، مهدویت (قدرت آینده‌نگری مطلوب)، معنویت (ماهیت‌شناسی قدرت)، ولایت‌گرایی (تحول‌گرایی قدرت)، مردم‌سالاری دینی (ساختارگرایی قدرت)، گفتمان‌محوری (روان‌شناسی قدرت)، عدالت‌گرایی (علت‌شناسی قدرت)، مشارکت‌گرایی (ظرفیت‌شناسی قدرت)، تعامل‌گرایی (رویکردشناسی قدرت)، وحدت‌گرایی (انسجام ملی) (راهبرد شناسی قدرت) بصیرت‌گرایی (زمان‌شناسی قدرت)، چشم‌انداز‌گرایی (تصورپردازی قدرت)، ظلم‌ستیزی (و استکبارستیزی)» (عیوضی، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۰).

۴- مقاومت اسلامی فلسطین و نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران

ساف از سال ۱۹۶۹ به ریاست یاسر عرفات و تحت سیطره جنبش فتح قرار گرفت و در اکتبر ۱۹۷۴ در اجلاس سران عرب به‌عنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین به رسمیت شناخته شد. (داد درویش، ۱۴۰۰: ۳۳۹-۳۳۸) با نگاهی به تاریخ مبارزه مردم و گروه‌های فلسطینی از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی تا قبل از انتفاضه، به‌خوبی روشن می‌شود که این گروه‌ها نتوانسته‌اند به نتایج امیدوارکننده‌ای برسند. آن‌ها نه تنها در تشکیل حکومت مستقل فلسطینی موفق نبودند، بلکه سرانجام موجودیت رژیم اشغالگر را به رسمیت شناختند و

«تصمیم بر نابودی آن» را از اساسنامه سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) حذف کردند و مبارزات مسلحانه را مردود شمردند. (دبیری مهر، ۱۳۹۲: ۱۳۸) و زمینه را برای تقویت جنبش‌های اسلام‌گرایانه در فلسطین با الهام‌گرفتن از انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورد. (هدایتی شهیدانی، بابایی، ۱۳۹۹: ۱۱۶-۱۱۵)

۴-۱- جنبش جهاد اسلامی

جنبش جهاد اسلامی را نیز فتحی شقاقی در اواخر دهه ۱۹۷۰ در مصر بنیان گذاشت. اعضای این جنبش، جوانان فلسطینی بودند که در دانشگاه‌های مصر تحصیل می‌کردند. شقاقی از اعضای اخوان‌المسلمین معتقد بود اخوان‌المسلمین از مسئله فلسطین غفلت کرده است. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۳) از نظر تبار فکری رهبران این جریان به دلیل حضور در مصر تحت تأثیر جریان اخوان‌المسلمین مصر و بعد از پیروزی انقلاب ایران تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته‌اند. تأثیرپذیری جهاد اسلامی به‌عنوان یک جریان سنی‌مذهب از انقلاب اسلامی ایران و ولایت‌فقیه که بر اساس رویکرد تشیع بود در میان جنبش‌های اسلامی بی‌سابقه بود (هدایتی شهیدانی، بابایی، ۱۳۹۹: ۱۱۷-۱۱۶).

۴-۲- جنبش مقاومت اسلامی (حماس)

حماس در اواخر دهه ۱۹۸۰ در پی سلسله جلساتی که شیخ احمد یاسین، یکی از رهبران اخوان‌المسلمین، در غزه برگزار کرد، تأسیس شد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳) حماس برخلاف جهاد اسلامی عملیات مسلحانه زیادی را علیه رژیم صهیونیستی انجام نداده است و بر خلاف جهاد اسلامی موضع محتاطانه‌تری را نسبت به انقلاب اسلامی ایران و گروه‌های محور مقاومت در پیش گرفته‌اند (هدایتی شهیدانی، بابایی، ۱۳۹۹: ۱۱۹-۱۱۸) (فراستی، ۱۳۸۱: ۷۱).

حرکت‌های فراگیر و مقاومت‌های مردمی که تحت انتفاضه شکل گرفت، خود‌گویای فراگیر شدن مقاومت عمومی مردم در فلسطین می‌باشد که در خارج از لایه‌ها و گروه‌های مبارزاتی شکل گرفته است. پیش از انتفاضه، هرگونه برنامه‌ریزی برای انجام مبارزات در درون سرزمین‌های اشغالی، توسط جریان‌ها و گروه‌های سیاسی خارج از مرزهای فلسطین انجام می‌گرفت، درحالی‌که همان گروه‌ها وابستگی سازمانی با سایر کشورهای دیگر داشتند. (دبیری مهر، ۱۳۹۲: ۱۴۲) با پیروزی انقلاب اسلامی کانون مبارزه با رژیم صهیونیستی از جهان عرب به ایران منتقل شد. (حشمت‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۵)

۵- مقاومت اسلامی لبنان و نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران

امام موسی صدر در سال 1971 با برگزاری کلاس‌های دروس ایدئولوژیک اسلامی که با کمک شهید مصطفی چمران، شیخ مهدی شمس‌الدین و سید محمدحسین فضل‌الله و رجال دیگر اداره می‌شد، پایه‌های اعتقادی جوانان لبنانی را جهت تأسیس یک سازمان منسجم عقیدتی - نظامی بنا نهاد. در سال ۱۹۷۰، خبر ایجاد حرکت محرومین و سازمان نظامی (امل) که از سرواژه‌های «أفواج المقاومة اللبنانية» است را اعلام نمود. این سازمان در واقع شاخه نظامی «حرکه المحرومین» بود. (جعفرپورکلوری، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۷) این سازمان در سال ۱۹۷۴ زیر نظر دکتر مصطفی چمران شروع به تعلیم جوانان نمود به‌طوری‌که آن اردوگاه نظامی، به کارخانه ی «صناعة الإنسان یا انسان‌سازی» معروف شد. پس از مفقود شدن امام موسی صدر در سال ۱۹۸۷ رهبران سیاسی حرکه المحرومین تصمیم گرفتند تا تمامی فعالیت سیاسی - نظامی خود را تحت عنوان «امل» انجام دهند. به همین دلیل برای جنبش امل، مرامنامه‌ای نوشته نشد و از همان مرامنامه حرکه المحرومین استفاده گردید. امل دارای یک رویکرد غیرنظامی بود و هرگز چهره نظامی حزب را افشا نمی‌کرد تا اینکه طی حملات متعدد که به شهرهای لبنان می‌شد با انتشار خبر انفجار در اردوگاه جوانان «حرکه المحرومین» در بعلبک، سبب شد که مسیحی‌ها و کتاب بر ضد امام موسی صدر و حرکت محرومین بکار افتادند و حملات همه‌جانبه شدیدی آغاز نمایند. انفجار این خبر در بعلبک موجب گردید که امام موسی صدر وجود سازمان نظامی امل را بعد از دو سال مخفی‌کاری در ۶ ژوئیه ۱۹۷۵ به طور رسمی و علنی اعلام کند. (جعفرپورکلوری، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۸)

در فروردین ۱۳۵۹ (آوریل ۱۹۸۰) دوره مسئولیت دبیرکل حسین الحسینی در جنبش امل به اتمام رسید و نبی بری وکیل چهل‌ساله اهل جنوب به دبیرکل جنبش انتخاب گردید. وی از جمله کسانی بود که در آغاز زندگی سیاسی خود، جذب خط‌مشی رادیکال گروه‌های چپ لبنان با گرایش‌های مختلف آن شده بود. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۴۶) با ناپدید شدن امام موسی صدر در دهه ۱۹۸۷، روابط امل با دولت ایران رو به سردی گرایید. (حق‌شناس کمیاب، ۱۳۸۸: ۲۰۰)، لذا به دنبال بروز تنش میان ایران و امل و همچنین کنار رفتن رهبران غیرروحانی در ایران مانند بازرگان که با امل ارتباط داشتند، جریانی بنام حزب‌الله که در صدد تشکیل حکومت اسلامی در لبنان بود تحت حمایت امام خمینی شکل گرفت. (دکمجیان، ۱۳۸۳: ۳۰۵)

۱-۵- حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ متوسط گروهی از شیعیان لبنان به وجود آمد. هسته ابتدایی حزب، از گروه «حزب الدعوه» به رهبری «سید محمدحسین فضل‌الله» و اتحادیه دانشجویان مسلمان زیر شاخه‌الدعوه، کادر فتح (مانند «حسین سلامه» و «عماد مغنیه») و اعضای جنبش امل و سایر گروه‌های لبنانی تشکیل یافته بود. تمامی این گروه‌ها در دو موضوع ولایت‌فقیه و پیروی از بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی اتفاق نظر داشتند، آنها خوب می‌دانستند که سایر گروه‌های سیاسی لبنان هیچ اقدام مؤثری برای کشور لبنان انجام نمی‌دهند. (بخشی نکو، ۱۳۹۳: ۳۷-۳۶)

از این رو جمعی از گروه‌های اسلامی در مرکز دانشجویان مسلمان در سال ۱۹۸۰ جلسه‌ای برگزار نمودند و توافق کردند گروهی منتخب برای دیدار و بیعت با امام خمینی (ره) عازم ایران شود، هیئت مذکور ضمن ملاقات با حضرت امام (ره) با ایشان بیعت نمودند، امام از ایشان خواستند که با خودباوری و ایمان به شکست‌پذیری رژیم صهیونیستی، حزب الدعوه را منحل و با یکدیگر یک حزب متحد یکپارچه را تشکیل دهند. در این دیدار بود که امام به سید حسن نصرالله اجازه دریافت وجوهات شرعی از طرف خود دادند. (بخشی نکو، ۱۳۹۳: ۱۵۰) این هیئت بعد از مراجعه به لبنان اقدام به تأسیس «کمیته‌های یاری انقلاب اسلامی» نمود. (حاج ناصری، ۱۳۸۶: ۲۷-۲۸) در ششم ژوئن ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۰۳/۱۶) رژیم صهیونیستی هجوم گسترده‌ای به لبنان کرد و بدون هیچ مقاومتی با سرعت به دروازه‌های بیروت رسید و دومین پایتخت یک کشور عربی را به تصرف خود درآورد. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۳) دقیقاً حمله رژیم صهیونیستی به لبنان چند هفته پس از پیروزی ایران در خرمشهر بود. (حشمت‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

اما ضاحیه تنها منطقه‌ای در بیروت بود که به دلیل مقاومت در این منطقه صهیونیست‌ها نتوانستند آن را محاصره کنند و فقط در اطراف مرزهای آن مستقر شدند. البته این منطقه برای حفظ اسلحه و نیروهای خود محل امنی محسوب می‌شد. (فضل‌الله، ۱۹۹۸: ۶۳-۶۲) به دلیل پایداری و مقاومت مردم بیروت و ضاحیه، رژیم صهیونیستی برای کاهش هزینه‌های احتمالی جنگ، تمایلی برای ورود به آن نشان ندادند (بال، ۱۳۶۶: ۵۲). «رژیم صهیونیستی با همان سرعتی که ۳۲ ماه قبل به این منطقه حمله کرده بودند، از لبنان عقب رانده شده بود آن‌هم به وسیله شجاع‌ترین و سرسخت‌ترین دشمن که تا آن روز با آن برخورد کرده بود.» (رایت، ۱۳۷۲: ۱۴۲-۱۴۰) رهبران حزب لیکود به این نتیجه رسیدند که شرایط ادامه جنگ و تلفات نیروی انسانی ارتش رژیم صهیونیستی به مصلحت دولتشان نخواهد بود و امکان سقوط دولت را بیشتر خواهد کرد، به همین دلیل آمریکایی‌ها، فیلیپ حبیب را برای انجام مذاکرات بین طرف‌های درگیر به منطقه اعزام نمود. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۶) با دستور «الیاس سرکیس» رئیس‌جمهور وقت لبنان که ماه‌های آخر دوره ریاست‌جمهوری خود را می‌گذراند، پنج‌تن از سیاست‌مداران لبنانی را جهت عضویت در شورای «جبهه نجات ملی» انتخاب کرد تا با «فیلیپ حبیب» فرستاده ویژه آمریکا مذاکره کنند. (جعفرپور کلوری، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۰)

وقتی جوانان مسلمان لبنانی متوجه شدند که «نبیه بری» می‌خواهد به جبهه «نجات ملی» به ریاست «الیاس سرکیس» بپیوندند برایشان محرز بود که مسیر امل با این کار راه انحراف را در پیش می‌گیرد. (سید احمد، ۱۳۹۴: ۳۲) در چنین شرایطی بود که زمینه‌های انشعاب در سازمان امل به وجود آمد و ابو هشام "نایب‌رئیس امل" و بسیاری از اعضای امل با صدور بیانیه‌هایی، شرکت و عضویت نبی بری در جبهه نجات ملی را محکوم نمودند و از پست‌های اجرایی خود در امل استعفا دادند و بری را به انحراف از آرمان مبارزه با رژیم صهیونیستی همان‌طوری که امام موسی صدر فتوای داده بود، متهم کردند. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۸-۵۷)

کنفرانس نهضت‌های آزادی‌بخش در تهران، هم‌زمان شد با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، از آنجای که ۸۹ نفر از شخصیت‌های لبنانی در این کنفرانس شرکت کرده بودند از ایران درخواست کمک فوری کردند. (بی‌نام، ۱۳۸۵: ۲۲). ایران هیئتی را به «ریاست سلیمی وزیر دفاع، محسن رضایی فرمانده وقت سپاه و صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش به سوریه اعزام شدند و در دیدار با حافظ‌اسد رئیس‌جمهور وقت سوریه برای ارسال کمک به لبنان توافق کردند». (حاج ناصری ۱۳۸۶: ۳۰)

در راستای این توافق بود که نیروهای سپاه در لبنان حضور پیدا کردند. مهمانان لبنانی شرکت‌کننده در کنفرانس تهران پس از برگشت از ایران، یک کمیتهٔ نه‌نفره‌ای را تشکیل دادند که بعد از ماه‌ها مذاکره به یک تشکیلات فراگیر به جمع‌بندی رسیدند، در این زمینه گروهی به سرپرستی سید عباس موسوی برای ارائه گزارش نتایج توافقات برای دیدار امام خمینی (ره) به ایران سفر نمودند در برگشت آنان امام خمینی (ره)، کربوبی و شمخانی را به نمایندگی خود جهت تسهیل در ایجاد اتحاد بین گروه‌های لبنانی همراه نمود. کمیته نه‌نفره، یک شورای پنج‌نفره را از میان خود انتخاب نمودند که رهبری تشکیلات جدید را به عهده می‌گرفت. این ترکیب جدید که به «شورای لبنان» نام‌گرفته بود، اولین جلسه خود را در زمستان ۱۹۸۲ تشکیل داد و برای تشکیلات خود در مه ۱۹۸۲ نام «حزب‌الله» را که از قرآن اقتباس شده بود انتخاب کردند. (بخشی نکو، ۱۳۹۳: ۱۵۲-۱۵۱)

۶- مقاومت اسلامی سوریه و نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران

با آغاز نهضت امام خمینی (ره) و شروع مبارزه علیه حکومت پهلوی، حافظ‌اسد رئیس‌جمهور فقید سوریه از مخالفان شاه حمایت کرد. وی آموزش نیروهای ایرانی ضد رژیم ستم‌شاهی را در کشورش برعهده گرفت. وی، پس از تبعید امام به پاریس، به تمام سفارت‌های خود در خارج از کشور به‌خصوص پاریس دستور داد از هیچ‌کمی به مخالفان شاه دریغ نکنند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ قطع فوری روابط ایران با رژیم صهیونیستی و مصر، روابط تهران و دمشق عمق بیشتری پیدا کرد. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸-۷۹)

نام‌بردن از ایران و سوریه به‌عنوان کشورهای عضو محور شرارت را باید در همان راستا ارزیابی کرد. (زارعان، ۱۳۹۵: ۲۳)

جمهوری عربی سوریه از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی ۶/ بهمن ۱۳۸۹ شاهد شورش‌هایی شد که «شعارنویسی ضد حکومتی دانش‌آموزان در شهر درعا» آغاز آن بود. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹) در خلال توطئه بر ضد سوریه حدود ۱۰۳ کشور مشارکت داشته‌اند و ماشین رسانه‌ای عظیمی برای تبلیغات و شستشوی مغزی تأثیرگذاری بر افکار عمومی به کمک آنان آمد. بنا به اظهار حمد بن جاسم، معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه وقت قطر، رقم کلی بودجه جنگ با سوریه ۳۷ میلیارد دلار بود که توسط کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان، قطر و امارات تأمین شد. (تبرائیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰)

بر اساس رابطه دیرینه و همراهی سوریه در بحرانی‌ترین شرایط سال‌های اول انقلاب اسلامی و همچنین مشارکت و نقش‌آفرینی فعال در محور مقاومت، ایران توسط نیروی قدس سپاه، کمک‌های نظامی و حمایت‌های مستشاری قابل‌توجهی را به دولت سوریه انجام نمود که از جمله این کمک‌ها اعزام بیش از هفتصد نفر از مستشاران رده‌بالای سپاه در تابستان سال ۲۰۱۵ و تکاوران تیپ ۶۵ نوه‌د ارتش به‌عنوان مستشار و در اوایل سال ۲۰۱۶ بود. (نجات، ۱۳۹۶: ۲۴۴)

جیش الشعبی در تابستان ۲۰۱۲ به رهبری هلال اسد، هنگامی که بسیاری نظام سوریه را رو به سرنگونی می‌دانستند، تشکیل شد. جیش الشعبی نقش مهمی در پاک‌سازی حلب از تروریست‌های ارتش آزاد داشت. از نظر تحلیل‌گران غربی تهران در ایجاد این نیرو شامل ۵۰۰۰۰ شبه‌نظامی، مؤثر بوده است، جیش الشعبی نیز مانند حشدالشعبی تحت تأثیر نیروی بسیج ایران شکل گرفته و مورد حمایت سپاه پاسداران و حزب‌الله لبنان است. (هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

۷- مقاومت اسلامی عراق و نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران

کشور عراق بعد از تحولات سقوط امپراطوری عثمانی به وجود آمد که در این زمینه نقش شیعیان عراقی در خروج از سلطهٔ انگلیس و استقلال نظام سیاسی عراق بی‌بدیل بود، ولی با این نقش‌آفرینی‌های که در مبارزه با سلطه‌گران خارجی در استقلال عراق داشتند در ساختار قدرت سیاسی عراق از جایگاه شایسته برخوردار نبودند. (دبیری مهر، ۱۳۹۲: ۱۴۴)، شیعیان در طول تاریخ برای تعریف هویت ملی خود به عنصر ناسیونالیسم تکیه می‌کردند و قبل از آنکه خود را شیعه بدانند خود را با هویت عربی - عراق معرفی می‌نمودند.

۱-۷- حزب الدعوه عراق

حزب الدعوه در سال ۱۹۵۷ توسط سید محمدباقر صدر و سید مهدی حکیم تأسیس شد و یکی از احزاب باسابقه شیعه در عراق می‌باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فعالیت این حزب در عراق ممنوع شد و بسیاری از اعضای این حزب به ایران مهاجرت کرده‌اند و در جریان جنگ تحمیلی در کنار سپاه بدر علیه رژیم صدام وارد جنگ شده‌اند. (هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۴۸-۱۴۷)

۲-۷- مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق

مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق در بهار ۱۳۶۱ (۱۹۸۲م) در ایران تشکیل شد و دولتی خودخوانده تلقی گردید. رهبری مجلس نخست در دست سید محمود هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضائیه ایران بود در آن زمان شهید سید محمدباقر حکیم که از عراق به سوریه مهاجرت کرده و سپس به ایران آمده بود در مقام سخن‌گوی این مجلس فعالیت می‌کرد. (روحانی، ۱۳۸۹: ۶۰) پس از مدت کمی از مسئولیت شاهرودی بر مجلس اعلا نگذشته بود، اعضای مجلس آیت‌الله سید محمدباقر حکیم را به ریاست آن انتخاب نمودند و ایشان نزدیک به نوزده سال مسئولیت مجلس اعلا را بر عهده داشت. نوع فعالیت مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق، در دوره‌های اول تا سوم، سیاسی و تبلیغی بوده و در مقاطعی مشی مسلحانه در رویارویی با عوامل رژیم بعث حاکم بر عراق در دستور کار قرار گرفته است. (دبیری مهر، ۱۳۹۲: ۱۴۶)

ناکارآمدی دولت عراق در حل بحران‌های سیاسی - امنیتی خود، این کشور را در برابر پیامدهای جنگ داخلی سوریه آسیب‌پذیر کرد. جبهه النصرة بازوی دولت عراق اسلامی در فاصله یک سال توانست بخش عظیمی از استان‌های نفت‌خیز حسکه و دیرالزور که دارای گذرگاه‌های مرزی با عراق هستند را تصرف کند. تغییر روزبه‌روز معادلات جنگ داخلی در سوریه به نفع بنیادگرایان سلفی شرایط را برای بی‌ثباتی در استان‌های سنی‌نشین عراق فراهم کرد. شورش‌ها و درگیری‌های مسلحانه برخی از قبائل سنی استان مرزی الأنبار نمونه بازتولید خشونت‌های فرقه‌ای در عراق است که در جریان جنگ داخلی سوریه تقویت شد. (هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۴۹)

داعش در آخرین ساعات پایانی شب در ۹ ژوئن ۲۰۱۴ (شب ۲۰ خرداد ۱۳۹۳) به عراق حمله کرد. نزدیک به ۱۳۰۰ تروریست مسلح، اماکن دولتی استان نینوا را اشغال کردند و در ادامه شهر تکریت مرکز استان صلاح‌الدین را در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۴ به تصرف درآورد؛ شدت این تهاجم به نحوی بود که مردم و مسئولین عراقی را متحیر کرده بود. (افشون، ۱۳۹۸: ۶)

براین‌اساس در ابتدای حمله داعش به عراق به دلیل خیانت بزرگی که در ارتش عراق شکل گرفته بود یکی پس از دیگری شهرهای عراق در چند روز سقوط می‌کردند. پس از فتح موصل ابوبکر البغدادی دستور حمله به سامرا را داد، طوری که در برنامه گروه تروریستی داعش قرار بود سامرا به‌عنوان پایتخت داعش در عراق انتخاب شود. پس از حمله داعش به سامرا و احتمال سقوط سامرا و بی‌احترامی به حرمین عسکرین (ع) نیروهای بسیاری از کشورهای جهان اسلامی و از جمله ایران به سامرا رهسپار شدند و با همکاری گسترده یگان طلایی ارتش عراق (فرقه الذهبیه) مانع از سقوط سامرا شدند. پس از شکست داعش در سامرا گروه تروریستی داعش به‌ناچار موصل را پایتخت خود در عراق اعلام کرد. هنگامی که خطر از سامرا دفع شد، نیروهای ایرانی تحت حمایت سپاه قدس در عراق از حالت عملیاتی به حالت مستشاری تغییر وضعیت دادند و برای جلوگیری از خطر سقوط بغداد به تشکیل بسیج مردمی عراق (حشدالشعبی) و آموزش نیروهای عراقی اقدام کردند. (عبدالحسین زاده، ۱۳۹۶: ۱۲۲) حشدالشعبی یا نیروهای بسیج مردمی در ژوئن ۲۰۱۴ با فتوی‌های جهادی آیت‌الله سیستانی، در زمانی که ارتش عراق از هم‌گسیخته بود و داعش مناطق عمده‌ای از استان‌های دیالی، صلاح‌الدین، انبار، نینوا را در اختیار داشت، به وجود آمد. حشدالشعبی تحت فرماندهی نخست‌وزیر عراق است. آمریکا مدعی است که حشدالشعبی توسط سازمان بدر، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان هدایت عملیاتی می‌شود، نوری المالکی معاون نخست‌وزیر عراق در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این نیرو با الهام از بسیج ایران تأسیس شده است. (هدایتی شهیدانی، بابایی، ۱۳۹۹: ۳۴-۳۵)

پس از شکل‌گیری بسیج مردمی، بزرگ‌ترین هدف مشترک مراجع، سلیمانی و مهندس، رویارویی با داعش بود. از همان روزهای اول هجوم داعش، شهید سلیمانی در خانه شهید ابومهدی حاضر شدند و با هم حرکت کردند به سمت دجیل تا جلوی نیروی داعش را

بگیرند و از پیشروی آن به سمت بغداد جلوگیری کنند و عملیات آزادسازی دجله - بلد سامرا را با هم فرماندهی کردند. (شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۱۰۱) دولت‌های عراق پس از صدام هرچند همواره به محور مقاومت نگرش مثبتی داشته یا حداقل نظر منفی نداشته‌اند، اما خود را بخشی از محور مقاومت ندانسته‌اند. (شاپوری، ۱۴۰۱: ۷۷)

۸- مقاومت اسلامی یمن و نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران

بعد از وقوع انقلاب اسلامی، اگرچه یمن شمالی جزء اولین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و سفیر این کشور به دیدار امام خمینی (ره) رفت و یک جلد کلام‌الله مجید را از طرف علی عبدالله صالح به ایشان تقدیم کرد، (مددی، ۱۳۹۶: ۳۴) اما با آغاز جنگ تحمیلی، یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح تحت تأثیر موضع‌گیری‌های شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفت و از تهاجم رژیم بعث عراق به ایران حمایت کرد. این در حالی بود که یمن جنوبی به رهبری علی ناصر محمد از تهران پشتیبانی می‌کرد. از سوی دیگر دولت یمن جنوبی پس از وقوع انقلاب برای نشان‌دادن حسن‌نیت خود، یک خلبان اسیر ایرانی را که از سال ۱۹۶۷ به علت سقوط هواپیمایش در مرز طُفّار دستگیر شده بود، با میانجی‌گری جبهه آزادی‌بخش خلق عمان آزاد کرد. (امیردهی، ۱۳۸۹: ۱۷۹)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای احیای هویت شیعی در بین زیدی‌های یمن ایجاد کرد، بدرالدین حوثی از اولین شخصیت‌های برجسته دینی یمنی بود که در سال ۱۹۹۴ به ایران سفر کرد و مدتی را در حوزه علمیه قم اقامت کرد. (هدایتی شهیدانی، بابایی، ۱۳۹۹: ۱۳۲) به‌ویژه آن که او در این سفر هفت‌ماهه به‌خوبی با منش‌های انقلابی آشنا شد و برای آغاز قیام انگیزه گرفت. از عوامل دیگر، فضای نسبتاً باز سیاسی پس از اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ بود که سبب شد حوثی‌ها، حزب الحق را تأسیس و نمایندگانی را نیز به مجلس بفرستند. (مددی، ۱۳۹۶: ۴۹)

پایه‌گذار جنبش الحوثی‌ها، حسین الحوثی بود و اکنون رهبری فعلی آن عبدالمالک الحوثی برادر او است. حسین الحوثی در سال ۱۹۹۳ در انتخابات پارلمان یمن به نمایندگی مجلس انتخاب شد و تا ۱۹۹۷ نماینده پارلمان بود. (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۴: ۱۳۹۱)

شکل ۱: موقعیت جغرافیایی یمن در مناطق استراتژیک



در سال ۲۰۱۱ موجی از انقلاب‌ها منطقه شمال آفریقا و غرب آسیا را در نوردید. بهار عربی از تونس آغاز شد و به مصر، لیبی و بعد از آن یمن سرایت کرد. رژیم صالح حدود چهار دهه بر یمن حاکم بود و فسادهای سیاسی و اداری حاکم بر آن، موجب چنددستگی‌های سیاسی در یمن شد. (هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۳۳) با آغاز قیام‌های مردمی در یمن، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی در ابتدا بر حفظ صالح تأکید داشتند؛ اما با اوج‌گیری قیام مردمی در این کشور، در نهایت این شورا با چراغ‌سبز آمریکا، با ارائه طرحی تمایل خود را به حمایت از کناره‌گیری آرام صالح نشان داد. این طرح دو هدف عمده داشت: نخست آنکه، دولتی همسو با خواست شورای همکاری خلیج فارس در یمن تشکیل شود و دوم، صالح خروجی آبرومندانه از قدرت داشته باشد تا سرنگونی وی، نه تنها الگویی برای سایر ملت‌های منطقه نشود، بلکه حتی با مدل‌سازی از یمن، تحولات سایر کشورهای عربی را نیز مدیریت کنند. این ابتکار که در ۱۶ آوریل ۲۰۱۱ از سوی وزرای خارجه شورای همکاری در ریاض اعلام شد، متضمن انتقال اختیارات صالح به معاون وی و تشکیل دولت از سوی اپوزیسیون یمن در یک فرایند زمانی مشخص بود. (مددی، ۱۳۹۶: ۹۷) در نتیجه آن، علی عبدالله صالح از قدرت کنار رفت و معاونش، عبد ربه منصور هادی، زمام دولت انتقالی را به دست گرفت. با این حال، انتخاباتی برای انتقال قدرت انجام

نشد. (شاپوری، ۱۴۰۱: ۸۳) با فرار منصور هادی به عدن در جنوب یمن، و اعلان شهر عدن به‌عنوان پایتخت موقت دولت مستعفی منصورهادی، حوثی‌ها و ارتش یمن پیشروی‌های خود را به سمت جنوب یمن آغاز کرده‌اند. ترس و نگرانی عربستان سعودی از سقوط یمن منجر شد تا عربستان سعودی در یک اقدام پیش‌دستانه و با همراهی کشورهای عضو شورای همکاری‌های خلیج فارس در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ رسماً حمله نظامی خود به یمن، تحت عنوان توفان قاطعیت آغاز کرد. (هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۳۶) تأثیرپذیری حسین حوثی از ایران و انقلاب اسلامی به حدی بود که در بیشتر سخنرانی‌های خود، از امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی نام می‌برد و علاقه شدیدی به جریان‌های شیعی مانند حزب‌الله لبنان و سید حسن نصرالله داشت. (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۷) زیدی‌های یمن باتوجه‌به عقایدشان درباره امام که به آن اشاره شد، امام خمینی (ره) را امام یک‌صدم خود می‌دانند و بعد از رحلت امام، مقام معظم رهبری را امام یک‌صد و یکم و سید حسن نصرالله را امام یک‌صد و دوم خودشان می‌دانند. (شاپوری، ۱۴۰۱: ۸۲)

۹- مقاومت اسلامی افغانستان و پاکستان و نقش الگوی انقلاب اسلامی ایران

۹-۱- مقاومت اسلامی افغانستان

افغانستان در نیم‌قرن گذشته به دلیل عدم برخورداری از یک حکومت مرکزی باثبات و دخالت قدرت‌های خارجی، در بی‌نظمی و جنگ‌های دوره‌ای طولانی مدت به سر برده است. براین اساس جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند نسبت به آنچه در افغانستان رخ می‌دهد، نگرانی نداشته باشد؛ زیرا مسئله همسایگی باعث می‌شود هرگونه تغییری در این کشور و ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای به آن، بر امنیت ایران نیز تأثیر بگذارد. (عبدالاحسین زاده، ۱۳۹۶: ۷۴) ایران به‌عنوان یکی از کانون‌های مبارزه علیه اقدامات آمریکا، در همسایگی افغانستان قرار دارد و این همسایگی فرصت مناسبی برای ایالات متحده فراهم کرده که از جانب غرب در عراق و از جانب شرق با افغانستان اوضاع ایران را هر چه بیشتر تحت کنترل داشته باشد. (پیشگاهی فرد و رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در افغانستان در محیط و شرایطی صورت گرفت که شوروی به‌عنوان ابرقدرت شرق، نقش تعیین‌کننده‌ای در اوضاع آن کشور داشت؛ پیروزی انقلاب اسلامی که چند ماه بعد از آغاز مبارزات مردم مسلمان افغانستان به وقوع پیوست، از نقاط عطف مهم در بررسی مبارزات شیعیان افغانستان می‌باشد... باز شدن فضای سیاسی ایران و چاپ و پخش کتب و نشریات در تبیین اسلام و تشییع راستین، از دیگر مواردی است که بر شیعیان افغانستان که هم مرز و هم زبان مردم ایران بودند و به‌ویژه به شهر مذهبی یکی از مراکز مهم نشر فرهنگ اسلامی در مشهد نزدیک بودند، تأثیر بسیار داشت. از جمله این تأثیرات می‌توان به مشارکت مستقل رزمندگان فاطمیون به‌عنوان نسل جدیدی از جوانان افغانی در مبارزه با جریان‌های تکفیری حاضر در کارزار سوریه و برای دفاع از حرم اهل‌بیت (ع) یاد کرد. (هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۵۵)

۹-۲- تشکیل لشکر فاطمیون

تیپ فاطمیون یا حزب‌الله افغانستان ۱ متشکل از افراد داوطلب افغانستانی به‌منظور دفاع از حرم‌های اهل‌بیت است و شکل‌گیری این گروه به بحران سوریه برمی‌گردد. در واقع به‌موازات تداوم بحران سوریه به‌صورت فرسایشی و تهدید جدی و نزدیکی گروه‌های تکفیری به حرم حضرت زینب (س)، ۲۲ نفر از نیروهای افغانی در سال ۲۰۱۳ هسته گروهی را تشکیل دادند که امروز بنام تیپ فاطمیون ۲ یا لواء فاطمیون شناخته می‌شود، تعداد اعضای این گروه اکنون بالغ بر ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که اکثراً از قوم هزاره هستند. (فتحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸۹-۲۸۸)

۹-۳- مقاومت اسلامی پاکستان

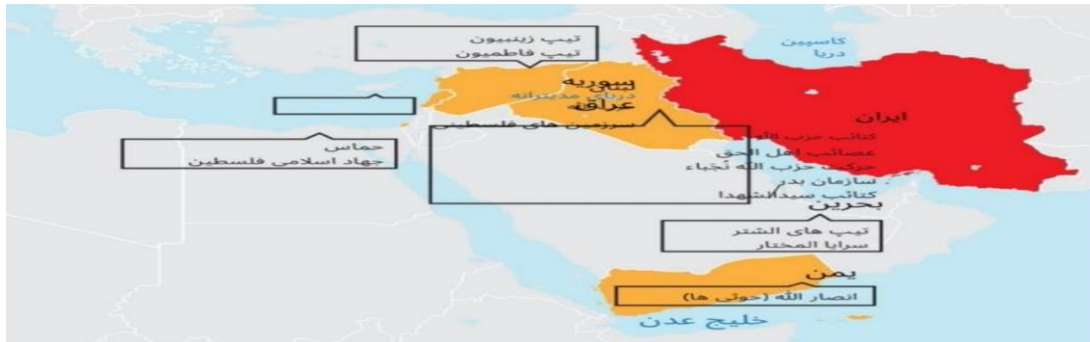
شیعیان پاکستان از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی به‌تدریج با خروج از انزوا فعالانه وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شدند. این حرکت که در ابتدا به‌صورت اقدامات اعتراضی آغاز شد و سپس نهضت اجرای فقه جعفریه پاکستان به‌عنوان اولین تشکل فراگیر شیعیان به

¹ Hezbollah Afghanistan

² Liwa Fatemiyun

رهبری مفتی جعفر حسین شکل گرفت. متفکرانی چون علامه ابوالاعلی مودودی رهبر جماعت اسلامی پاکستان از انقلاب اسلامی حمایت کردند و آن را پدیده‌ای امیدبخش و رهایی‌بخش در جهت اجرای دستورات اسلام خواندند. پس از اشغال سفارت امریکا در تهران، پاکستان دومین کشوری بود که سفارت امریکا در این کشور مورد هجوم قرار گرفت. آنچه در پاکستان به فاصله کمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران واقع شده برخی را به این باور رساند که پاکستان، حلقه دوم انقلاب اسلامی است. هدایتی شهیدانی و بابایی، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۶۲

شکل ۲- ایران و بازیگران مقاومت



۴-۹- شکل‌گیری لشکر زینبیون

زینبیون یا حزب‌الله پاکستان ۱ از دیگر گروه‌های نقش‌آفرین در لایه سوم دفاعی هست که به‌منظور محافظت از حرم حضرت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) و به طرف‌داری و حمایت از دولت مرکزی سوریه تشکیل و به ایفای نقش پرداخته است. این گروه بیشتر متشکل از پاکستانی‌های مقیم ایران و شیعیان ساکن پاکستان است. (فتحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸۹) این گروه در پایان سال ۱۳۹۲ به‌واسطه حضور ۲۴ نفر از جوانان پاکستانی که در ایران ساکن بودند و عمدتاً در حوزه‌های این کشور مشغول به تحصیل بودند، تشکیل شد. در بهار سال ۱۳۹۳، اولین دسته از اعضای این گروه برای شرکت در نبرد به کشور سوریه عازم شدند. حضور زینبیون در جبهه مقاومت، در ۴ قالب «رزمنده»، «روحانی»، «پزشک» و «بهیار» تعریف می‌شد.

نتیجه

امروزه مقوله امنیت از دو منظر مورد توجه قرار می‌گیرد. یک امنیت و دفاع از محدوده سرزمینی که به‌عنوان امنیت ملی تعریف می‌شود و دیگری امنیت در حوزه فراملی و منطقه‌ای که اهمیت آن از امنیت ملی کمتر نبوده است، در راستای پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش که جایگاه و نقش الگوی انقلاب اسلامی در تشکیل محور مقاومت را مورد بررسی قرار می‌دهد، به اهمیت و کارکرد محور مقاومت پرداخته شده است، زیرا ماهیت این گونه ائتلاف‌های امنیتی که عنصر ایدئولوژی در آن برجسته است باعث گردیده، اعضاء ضعف‌ها و کمبودهای امنیتی خویش را در کنار نظام ارزشی خود محقق نمایند، کشورها همواره در تلاش هستند در ترکیب بلوک‌های امنیتی قرار گیرند و عمق استراتژی امنیتی و دفاعی خود را در خارج از مرزهای جغرافیایی خود شکل دهند تا دسترسی سهل‌الوصول و کم‌هزینه‌ای برای دشمن محسوب نشوند؛ بنابراین بر اساس رویکرد نظری مجموعه امنیتی بوزان، محور مقاومت اسلامی با مولفه‌های مشترک ایدئولوژیکی با الگوگیری و دنباله‌روی از هسته مقاومت یعنی ایران، در عرصه سرزمینی به‌عنوان یک بازیگر مقاومت و در عرصه منطقه‌ای به‌عنوان جریان محور مقاومت شناخته می‌شوند، درحقیقت این استراتژی، یک زنجیره امتد امنیتی است که در حال شناسایی سایر حلقه‌های خود در سایر کشورهای مختلف می‌باشد.

منابع

-اسداللهی، مسعود. (۱۳۷۹). از مقاومت تا پیروزی، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور، ص ۲۶۰.

- افشون، تورج. (۱۳۹۸). امنیت مردم پایه (مطالعات موردی حشدالشعبی عراق)، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیستم، شماره ۲ پیاپی ۷۸، صص ۵ تا ۶.
- امیردهی، علیرضا. (۱۳۸۹). یمن، از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه تقریب، شماره ۲۳، صص ۱۱۷-۱۳۰.
- بابایی، پویان. (۱۳۹۴). علل گرایش به محور مقاومت در یمن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۲، پیاپی ۶۲.
- بال، جورج. (۱۳۶۶). خطا و خیانت در لبنان، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ اول، تهران، ناشر اطلاعات، صص ۱۸۱.
- بخشی نیکو، حمیدرضا. (۱۳۹۳). اقتدار فزاینده حزب‌الله لبنان و چالش ارتجاع عرب (با تأکید بر نقش عربستان سعودی)، چاپ اول، قم، انتشارت زمزم هدایت، صص ۳۶۰.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- بی‌نام، منابع ارزشی مؤثر در ظهور جنبش حزب‌الله لبنان. (۱۳۸۵). مجله سوره، شماره ۲۷، صص ۲۳-۱۷.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ رحیمی، محمد. (۱۳۸۷). جایگاه افغانستان در ژئواستراتژی نظام نوین جهانی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۸، شماره ۱۱، صص ۹۹-۱۳۲.
- تبرائیان، صفاء الدین؛ ریاضی، محمدابراهیم؛ صفری، میثم. (۱۳۹۹). جنگ جهانی بر ضد سوریه (شکست توطئه علیه محور مقاومت)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص ۴۰۴.
- تلاشان، حسن. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شبه یمن، فصلنامه شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۳۰-۷.
- جعفرپور کلوری، راشد. (۱۳۹۰). آزادترین مرد جهان (بررسی زندگی مبارز محبوب و قهرمان عرب، سید حسن نصرالله)، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص ۳۰۸.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۸). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۲۲۸.
- حاج ناصری، سعید. (۱۳۸۶). تحولات لبنان و جایگاه آن در توازن قدرت در خاورمیانه، نشریه تخصصی پگاه حوزه، شماره ۲۲۳، -حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۹۵). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، چاپ چهارم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۳۳۳.
- حق‌شناس کمیاب، سید علی. (۱۳۸۸). ساختارهای سیاسی و اجتماعی لبنان و تأثیر آن بر پیدایش جنبش امل، چاپ اول، تهران، انتشارات سنا، صص ۲۴۲.
- خسروشاهی، سید هادی. (۱۳۹۳). امام موسی صدر، مصلح بزرگ اجتماعی، چاپ اول، قم، نشر ادیان، صص ۴۲۴.
- خلیلی، رضا. (۱۳۸۵). تبارشناسی مطالعات امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، صص ۹، ش ۳۳.
- داد درویش، رضا. (۱۴۰۰). مقاومت و محور مقاومت: نظریه و عمل، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۴۶۴.
- داداندیش، پروین؛ کوزه‌گر کالجی، ولی. (۱۳۸۹). بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی قفقاز جنوبی، فصلنامه راهبرد، دوره نوزدهم، شماره پنجاه و شش، صص ۱۰۷-۷۳.
- دبیری مهر، امیر. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه، چاپ اول، تهران، ناشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام، صص ۲۸۰.
- درینیک، ژان پییر. (۱۳۶۸). خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران، انتشارات جاویدان، صص ۴۹۷.
- دکمجیان، هریر. (۱۳۸۳). اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده‌ها بنیادگرایی اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، صص ۳۰۵.

- رایت، رابین . (۱۳۷۲). شیعیان مبارزان راه خدا، ترجمه علی اندیشه، چاپ اول، تهران، قومس. ص ۱۷۹.
- رضاخو، علیرضا. (۱۳۹۲). بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت، نشریه زمانه، شماره ۳۱-۳۲، ص ۳۳-۳۲.
- روحانی، سید محمود. (۱۳۸۹). مجلس اعلای اسلامی عراق میراث حکیمان، ماهنامه زمانه، شماره ۸، ص ۶۰.
- زارغان، احمد. (۱۳۹۵). چشم‌انداز مقاومت فلسطین در چالش‌های هویتی غرب آسیا، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۶. ص ۱۰۷-۱۳۲.
- سورتچی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران بر امنیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، نشریه سیاسی دفاعی، شماره ۸۵، صفحه ۲۱۶-۱۸۳.
- سید احمد، رفعت. (۱۳۹۴). سید حسن نصرالله؛ انقلابی جنوبی، چاپ اول، قم، ناشر دفتر نشر معارف، ص ۳۶۸.
- شاپوری، مهدی. (۱۴۰۱). کتاب محور مقاومت، جمهوری اسلامی ایران و نظم منطقه‌ای، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۲۲۶.
- شفیعی سیف آبادی، محسن. (۱۳۹۸). سردار سلیمانی و بسیج مردمی در عراق و سوریه باز زمینه‌های شکل‌گیری تا نقش و نیت شهید سلیمانی، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۸، ص ۱۰۱-۱۰۲.
- صادقی‌زاده، کسری . (۱۳۸۹). شهید دکتر فتحی شقاقی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ص ۲۳۲.
- صادقی، محمدمهدی؛ رفیعی آتانی، رستم علی؛ حبیب زمانی، محجوب؛ حسینی فاضل، سید مرتضی. (۱۳۹۸). دفاع سرزمینی: علل حضور رزمندگان ایران در سوریه، چاپ دوم، قم، انتشارات زمزم هدایت، ص ۲۵۶.
- عبدالحسین زاده، شراره. (۱۳۹۶). در برج امنیت، چرایی ورود ایران به پرونده‌های منطقه‌ای، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص ۱۹۹.
- عسکری کرمانی، محمد؛ معین‌آبادی بیدگلی، حسین . (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم شماره دوم.
- عیوضی، محمد رحیم . (۱۳۹۹). شناخت‌شناسی منافع متقابل در محور مقاومت، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره ۴، پیاپی ۸۴، صفحات ۵-۳۰.
- فتحی، محمدجواد؛ عیوضی، محمد رحیم؛ پیرانی، شهره. (۱۳۹۹). جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی در آسیای جنوب غربی، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره نهم، شماره دوم، پیاپی، ۳۲، صص ۳۰۲-۲۶۴.
- فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و بازتاب آن، چاپ اول، تهران، انتشارات زلال کوثر. ص ۹۶.
- کریمی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰.
- کوشکی، محمدصادق؛ نبوی، سید مهدی. (۱۳۹۹). آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی، نشریه اندیشه تقریب، شماره ۳۹، ص ۱۴۶-۱۲۳.
- مددی، جواد. (۱۳۹۶). ستیغ مردان، نقش ایران در مقاومت یمن، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص ۱۶۶.
- مسعودنیا، حسین؛ توسلی، حسین. (۱۳۹۱). بازخوانی جنبش الحوثی در یمن، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۳، ص ۱۳۳.
- نجات، سید علی. (۱۳۹۶). بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای، تهران، مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، ص ۲۴۴.
- هدایتی شهیدانی، مهدی؛ بابایی، محمدرضا . (۱۳۹۹). محور مقاومت، شرحی بر ویژگی‌ها و وجوه مختلف، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص ۲۰۶.
- فضل‌الله، حسن. (۱۹۹۸). حرب الارادات، بیروت، دارالهادی، الطبعة الثانية، ص ۵۶ - ۵۷.